

بررسی تأثیر عناصر اجتماعی بر امنیت اجتماعی در شهر سنندج^۱

جلیل سحابی^۲، عین فیضی^۳، جمیل صمدی بگه جان^۴

چکیده

هدف این مطالعه بررسی تأثیر عناصر اجتماعی بر امنیت اجتماعی در شهر سنندج است. در این مطالعه از روش-های کیفی (مصاحبه عمیق) و کمی (پرسشنامه خوداجرا) برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری کلیه جوانان بالای ۱۸ ساله ساکن شهر سنندج می‌باشد که حجم نمونه آن در روش کیفی بر اساس نمونه-گیری نظری ۶۰ نفر و در بخش کمی با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۲ نفر بود که برای اطمینان بیشتر از ۴۰۰ نفر اطلاعات جمع‌آوری شد. از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای برای دسترسی به حجم نمونه‌ها استفاده شده است. چارچوب نظری برای بررسی این مساله ترکیبی از نظریات مکتب کپنهاگ و میتار است. ضریب همبستگی اسپیرمن برای سنجش رابطه بین دو شاخص هنجارهای اجتماعی و امنیت اجتماعی، همبستگی متوسط و مستقیمی (۰/۴۵۶) را نشان می‌دهد. درباره حاشیه نشینان با خاستگاه روستایی، خانمها مزاحمت‌های خیابانی را مهم‌ترین عامل تهدید دانسته‌اند. بین جنسیت و مزاحمت خیابانی رابطه معنی‌داری در سطح ۰/۹۹ وجود داشته و شدت آن متوسط (۰/۵۲۰) می‌باشد. عناصر موجود در حوزه اجتماعی، تأثیر منفی بر امنیت اجتماعی گروه دوم حاشیه‌نشینان (قاچاقچیان کالا) دارد. زنان و دختران گروه دوم حاشیه یعنی قاچاقچیان منابع تهدید امنیت‌شان را از سوی حوزه اجتماعی و عوامل آن می‌دانند. اما مردان قاچاقچی امنیت اجتماعی‌شان از سوی حوزه اجتماعی مورد تهدید قرار نمی‌گیرد بلکه منابع تهدیدشان را در حوزه‌های دیگر (اقتصادی) تشخیص می‌دهند. گروه اول مرکز نشین (بازاریان) سرقت منزل و مغازه را منبع عمده تهدید امنیت اجتماعی‌شان می‌دانند. ۰/۴۰ پاسخگویان از اینکه به مدت طولانی خانه را ترک کنند، از دزدی می‌ترسند. گروه رسمی و فرهنگی شهر سنندج (گروه دوم مرکز) بر عکس گروه‌های دیگر، امنیت اجتماعی‌شان از سوی حوزه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در معرض تهدید واقع نمی‌شود. بلکه منابع تهدیدشان را در حوزه‌های دیگر (اقتصادی، فرهنگی و ..) تشخیص می‌دهند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون لجستیک نشان می‌دهد که شش متغیر جرایم اجتماعی، جنس، حجم خانواده، تحصیلات، عملکرد قانون و هنجارهای اجتماعی توانسته‌اند تا ۰/۸۲۵ پاسخگویان را به درستی بین دو وجه متغیر وابسته از هم تفکیک کنند.

کلید واژه: امنیت، امنیت اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، حاشیه‌نشینان، مرکز نشینان.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۴/۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۲/۳۰

^۱ اطلاعات بخش کمی مقاله از طرح «شناسایی عوامل موثر بر امنیت اجتماعی در شهر سنندج» استخراج شده است که از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج بهره‌مند شده است.

^۲ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج (نویسنده عهده دار مکاتبات)

^۳ کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی

^۴ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

مقدمه و بیان مساله

اگر تا چند سال قبل بحثی از امنیت اجتماعی نمی‌شد، امروز می‌بینیم که در روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و تلویزیون، کتابها، سخنرانی‌ها و سمینارها مرتب از این مفهوم در سطوح خرد و کلان صحبت می‌شود. امنیت در بسیاری از متون مبنایی برای توسعه و پیشرفت محسوب شده است. از هابز گرفته تا هابسبام، گیدنز و ... امنیت منشاء توسعه قلمداد شده است. در زمینه اهمیت این مساله در دوران معاصر، برای مثال زیگمونت باومن می‌نویسد: «تاریخ اخیر شهرهای آمریکایی سرشار از تغییرات اساسی است - ولی وجه مشخصه تمامی آنها دغدغه‌های امنیت و بی‌خطری است». وی ادامه می‌دهد شگفت اینک شهرها، که در اصل برای تامین امنیت همه ساکنان خود بنا شده‌اند، امروزه بیشتر توأم با خطر هستند تا امنیت (باومن، ۱۳۸۴: ۱۷۲-۱۶۸).

ترزا کالدیرا هم درباره سائوپائولو، دومین شهر بزرگ برزیل، چنین می‌نویسد: «امروزه سائوپائولو شهر دیوارهاست. همه جا موانع فیزیکی ساخته‌اند - اطراف خانه‌ها، مجتمع‌های ساختمانی، پارکها، میدانها، مجتمع‌های اداری و مدرسه‌ها... نوعی زیبایی‌شناسی جدید امنیت تمام انواع بناها را شکل می‌دهد و منطق جدید مراقبت و حفظ فاصله را تحمیل می‌کند...» (باومن، ۱۳۸۴: ۱۶۶).

در دوره ساسانی پس از شاپور تا ظهور قباد، در قرن هفتم با یورش مغول‌ها به ایران، و در دوران اخیر مثلاً اواخر صفویه (اشرف، ۱۳۵۴) و ... در دوره‌های ناامنی اساساً بحث توسعه، پیشرفت و ترقی به حاشیه رفته است. با تامل در زندگی روزمره خودمان، بررسی متون، مشاهده تلویزیون و توری روزنامه‌ها هم به این نتیجه می‌رسیم که امنیت به مساله بسیار جدی و مهمی تبدیل شده است و پی‌گیری مطالبات مردم برای حقوق خود، خواست و اقدام برای جمع‌آوری و ساماندهی افراد و گروه‌های مغل امنیت در پارکها، محلات و ... شاهدهی برای این مدعا است. در چند سال اخیر هم نیروی انتظامی به شیوه علمی سعی در طرح این مساله در محافل آکادمیک و کشاندن بحث به میان توده‌ها را داشته است. یکی از موارد اخیر در کردستان را نیز می‌توان برگزاری دومین همایش منطقه‌ای امنیت اجتماعی در غرب کشور در آذر سال ۱۳۸۶ در سنندج ذکر کرد. چرا که اساساً امنیت اجتماعی علاوه بر یک ضرورت انسانی یک عنصر مهم در توسعه سیاسی است. همانطور که توسعه اقتصادی به امنیت اقتصادی و سیاسی نیاز دارد، توسعه سیاسی نیز مستلزم وجود امنیت اجتماعی و امنیت داخلی و ملی است (محمدی، ۱۳۷۳: ۵).

مطالعه حاضر به بررسی تاثیر عناصر اجتماعی بر امنیت اجتماعی در شهر سنندج می‌پردازد. چرا که تبیین یک پدیده اجتماعی بر اساس عوامل اجتماعی تبیین سودمندی در اختیار ما قرار می‌دهد. سوال کلی ما این است که تاثیر عناصر اجتماعی بر امنیت اجتماعی در شهر سنندج از چه مکانیسمی تبعیت می‌کند؟ هدف اصلی این مطالعه سنجش میزان امنیت اجتماعی و احساس امنیت در میان ساکنین شهر سنندج است. حدس ما نیز چنین است که «عوامل موجود در حوزه اجتماعی، تاثیر مثبتی بر امنیت اجتماعی گروه‌های مختلف دارد».

اهمیت و ضرورت بررسی پدیده امنیت اجتماعی

مسئله مطرح شده در این مطالعه از چند جنبه اهمیت دارد. اول اینکه، در این مطالعه، امنیت اجتماعی را بومی می‌کند. رویکردهای غربی با توجه به زمینه و بافت جامعه غربی امنیت اجتماعی را تعریف نموده و آن را معادل امنیت هویت دانسته‌اند. و کمتر به شناسایی عوامل موثر بر امنیت اجتماعی با رویکردی ترکیبی توجه کرده‌اند محققین در این مقاله که برگرفته از تحقیقاتشان است به این مساله توجه کرده‌اند. اهمیت دیگر این مطالعه در آنست که طرح‌های پژوهشی و رساله‌های اندکی در باره امنیت اجتماعی از رویکردی اجتماعی سعی در تبیین عناصر اجتماعی کرده‌اند (صمدی، ۱۳۸۴؛ سحابی، ۱۳۸۸). سومین جنبه از اهمیت این مطالعه، به زمینه اجتماعی شهر سنندج مربوط است. در شهر سنندج با وجود قدمت ۴۰۰ ساله آن، وسعت زمین، وجود منابع اولیه از توسعه مناسبی در مقایسه با سایر شهرهای دیگر برخوردار نبوده است. شاید یکی از عوامل نبود صنایع گوناگون در سنندج عدم امنیت در اشکال گوناگون آن (اجتماعی، اقتصادی و...) است. مطالعه حاضر وضعیت امنیت اجتماعی را در شهر سنندج مشخص خواهد کرد.

چهارم اینکه، وظیفه اصلی مدیران جامعه نیز، سازمان دادن به امور کشور است. این سازمان در سطح کلان، شبکه‌ای بهم‌پیوسته‌ای از عوامل مادی و نیروی انسانی است. مدیریت جامعه نیز از تعریف روابط و وظایفی آغاز می‌گردد که بین عوامل مادی و نیروی انسانی باید به وجود آید و جاری شود. کوشش مداوم مدیران جامعه تامین خوشبختی مردم است. اما مدیران برای رسیدن به این نتیجه، خود باید درک روشن و دقیقی از فلسفه مدیریت داشته باشند تا بتوانند بر پایه این ادراک، هدفهای اساسی برای ارتقاء سطح زندگی مادی و معنوی جامعه را تدوین نمایند. این امر نیز باید در چارچوب قانون باشد چرا که با نادیده گرفتن قانون، بیش از پیش امنیت اجتماعی مردم دچار تزلزل می‌شود (علیمی، ۱۳۷۳: ۵-۲). این مطالعه مدیران را یاری خواهد نمود که به عوامل مخمل

امنیت در بخش اجتماعی و از سوی دیگر عوامل افزایش آن دسترسی داشته باشند و درک درستی از پدیده داشته باشند.

ادبیات نظری

ادبیات نظری این مطالعه تئوری‌های مالر، بوزان، ویور و میتار است که مالر، ویور و بوزان نظریه-پردازان مکتب کپنهاگ بوده و نظریات همدیگر را نقد و تکمیل کرده‌اند و از سوی دیگر میتار از نظریه‌آنا‌رشی اجتماعی استفاده کرده است.

مالر ۱ می‌گوید امنیت انسانی در پی تأمین ایمنی و اطمینان خاطر برای بشر در برابر گرسنگی و بیماری، همچنین تمام اشکال خشونت و کنشهای منافی حرمت انسانی است که باعث اختلال یا

نابودی حیات و بقای او می‌گردند (ایساکوچ، ۲۰۰۲: ۳-۱؛ نوبدینا، ۱۳۸۲: ۶۰).

مالر با توجه به چنین دگرگونی‌های ناشی از فرایند جهانی شدن و کاهش کنترل حکومتها بر مردم، مفهوم امنیت اجتماعی را مطرح می‌کند. وی تأکید دارد که امنیت اجتماعی را می‌توان بعنوان یک مفهوم فرضی برای هر جمع انسانی بکار برد که عبارت است از: «قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، انجمنها، مذهب، هویت ملی و رسوم» (مالر به نقل از

نوبدینا، ۱۳۸۲، ص ۶۱)

در اواخر دهه هشتاد و اوایل دهه نود، بوزان دیدگاهی دولت‌محور داشت و بر مرجعیت دولت در مطالعات امنیت تأکید می‌کرد. اما بعد از آن بوزان، از موضع افراطی خود (دولت‌محور) کناره گرفت و در اواخر دهه نود دولت و جامعه را با هم به عنوان مرجع امنیت در نظر می‌گیرد. در این مقاله از نظریات بوزان دوم درباره امنیت اجتماعی استفاده می‌شود. ممکن است تهدیداتی که امنیت اجتماعی را تحت الشعاع قرار می‌دهند، زمانی روی دهند که جوامع به این نتیجه برسند که در شرایطی خاص، هویت «ما» مورد تعرض و خطر واقع شده است. عواملی که می‌توانند هویت یک جامعه را تهدید کنند ممکن است از سرکوب آزادی بیان تا مداخله در قابلیت‌های آن برای ابراز و بیان خود تنوع داشته باشد. به باور بوزان، این عوامل ممکن است مشتمل بر این موارد باشند: «ممنوعیت به کارگیری زبان، نام‌ها، لباس‌ها از طریق بستن مکانهای آموزشی و دینی و یا تبعید و کشتار اعضای یک اجتماع» (روی، ۲۰۰۵: ۱۲-۱۰).

اُل ویور ۲ در کتاب «هویت، مهاجرت و منشور جدید امنیت در اروپا» ۳ (۱۹۹۳) دست به مفهوم سازی مجدد از رهیافت پنج بعدی (نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) بوزان

درباره امنیت زده است. وی معتقد است که برداشت بوزان از امنیت اجتماعی، ناقص و سست بنیاد است و امنیت اجتماعی را در قبال امنیت ملی فدا کرده است. به عقیده ویور امنیت اجتماعی در کنار امنیت اقتصادی، سیاسی، نظامی و زیست محیطی قابل طرح نیست؛ بلکه همپراز امنیت اجتماعی، امنیت ملی است. چرا که امنیت اجتماعی در شرایط کنونی مرجع امنیت ملی می‌باشد. از نگاه ویور در حالی که امنیت ملی به تهدیدات علیه حاکمیت می‌پردازد، امنیت اجتماعی معطوف به هویت است که فی‌نفسه مقوله‌ای است بسیار مهم، چون هویت اجتماعی به هر حال وجود دارد چه دولت باشد و چه نباشد. نکته دیگر اینکه امنیت هویت با امنیت اجتماعی، معنای سیاسی یافته است و عکس‌العمل یک اقلیت در دفاع از هویت خود، فی‌نفسه عملی سیاسی است. از اینرو امنیت اجتماعی به اندازه امنیت ملی واجد اعتبار است (نصری، ۱۳۷۸: ۱۳۶). بر این اساس ویور حوزه امنیت را بر حسب یک دوگانگی امنیت دولت و امنیت اجتماعی در نظر می‌گیرد. امنیت اجتماعی در اینجا بخشی از امنیت دولتی به شمار می‌رود. اما به عنوان یک بخش مستقل هم (که بوزان از آن غفلت ورزیده) به آن ارجاع داده می‌شود (روی، ۲۰۰۵: ۱۱). با در نظر گرفتن امنیت اجتماعی در کنار امنیت ملی، جامعه به عنوان مرجع امنیت مطرح شد. بنابراین امنیت اجتماعی عبارت است از: «قابلیت حفظ شرایط قابل قبول داخلی برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، انجمن‌ها، رسوم و هویت ملی و مذهبی» (واتسون، ۲۰۰۵: ۸).

بطور کلی می‌توان گفت از دیدگاه ویور امنیت اجتماعی به توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی اش تحت شرایط تغییر و تهدیدات واقعی و محتمل تعریف می‌شود. وی بر ارتباط نزدیک میان هویت، جامعه و امنیت تأکید دارد و خاطر نشان می‌کند که جامعه امنیت هویتش را جستجو می‌کند (نوبدینا، ۱۳۸۲: ۶۲).

میران میتار ۴ برای ارزیابی امنیت اجتماعی از مدل سیستماتیک استفاده می‌کند و در این کار بر نظریه آنارشی اجتماعی بیلی ۵ تکیه می‌نماید. وی تلاش می‌کند مسائل جامعه را بر اساس سطوح متفاوت (فرد، گروه، سازمان، اجتماع، جامعه، سیستم فراملی) تحلیل کند و از آنارشی (هرج و مرج) به جای تعادل ۶ به عنوان وسیله‌ای برای اندازه‌گیری حالات نظام استفاده می‌کند. (میتار، ۱۹۹۶: ۷)

در تئوری آنارشی اجتماعی از شش متغیر کلان اجتماعی نام می‌برند که عبارتند از:

جمعیت ۷، اطلاعات ۸، فضا ۹، تکنولوژی ۱۰، سازمان ۱۱، سطح کیفی زندگی ۱۲.

با توجه به شش متغیر بالا، معادله ذیل در تئوری آنارشی اجتماعی ساخته می‌شود: $L=F(P,I,S,T,O)$

بر اساس معادله بالا می توان این چنین نتیجه گیری کرد که هر گروه اجتماعی اگر از میزان جمعیت، اطلاعات، فضا یا سرزمین، تکنولوژی و سازماندهی بیشتر برخوردار باشد از امنیت اجتماعی بیشتر نسبت به سایر گروه ها که بهره کمتری از متغیرهای فوق دارند، برخوردار است (میتار، ۱۹۹۶: ۷-۸) میتار با توجه به پایبندی اش به تئوری آنارشی اجتماعی بیلی و در راستای تکمیل آن متغیر «انحراف» ۱۳ را وارد معادله امنیت اجتماعی می کند. متغیر انحراف شامل همه پدیده های اجتماعی و فردی ناخواسته و مضر است (مانند اشکال متنوع جرم، آسیب های اجتماعی، جنگ های داخلی و بین المللی و حوادث طبیعی و فنی متنوع) بنابراین معادله جدید امنیت اجتماعی که توسط میتار ساخته می شود، عبارت خواهد بود از: $F(P, I, S, T, O) = D + L$ (همه پدیده های ناخواسته) + (کیفیت زندگی) L (میتار، ۱۹۹۶: ۸) بر این اساس عوامل مختلف انحراف در حوزه اجتماعی در این مقاله مورد توجه است.

چارچوب نظری

با مقداری تغییر در نظریات فوق، امنیت اجتماعی بر اساس بافت جامعه کردستان و مطالعه اکتشافی که در شهر سنندج انجام شده است، تعریف و تحلیل می شود. مزیت تعریف ارائه شده در این می باشد که توجه به زمینه اجتماعی داشته و عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی را در چنین جامعه ای مدنظر قرار داده است.

امنیت اجتماعی ۱۴ در این مقاله اینگونه تعریف شده است: «فضایی که شامل دو بعد عینی و ذهنی است. در بعد عینی امنیت اجتماعی به معنای شرایط و موقعیت ایمن و حفظ و گسترش آن برای افراد جامعه در مقابل عوامل بیرونی است. از بعد ذهنی امنیت اجتماعی به معنای احساس امنیت و آرامش است. عوامل بیرونی شامل سه حوزه «اجتماعی، اقتصادی و سیاسی» است که در این مقاله به بخش اجتماعی توجه شده است. نتایج و بازتاب های عوامل بیرونی در وجود فرد انعکاس می یابد و احساس آرامش و امنیتی که فرد می کند، هسته مرکزی بعد ذهنی امنیت اجتماعی می باشد. حوزه اجتماعی به قلمروهایی از حریم فرد مربوط می شود که در ارتباط با دیگر افراد جامعه می باشد. در این قلمروهاست که امنیت فرد حفظ و یا مورد تهدید قرار می گیرد. ناآرامی های شهری، جرایم اجتماعی (سرقت، بزهکاری، بی عفتی)، جرایم جنایی (قتل و جنایت) و آبرو و حیثیت افراد، قلمروهای بیان شده حوزه اجتماعی اند که بر امنیت اجتماعی افراد تأثیر می گذارند و در نظریات ذکر شده به ویژه نظریه میتار بر آن تمرکز شده است.

پس، چارچوب نظری این مقاله برگرفته از سه منبع بوده است. اول، نظریه پردازان مکتب کپنهاگ (باری بوزان، ال ویور، مالر). جان کلام این مکتب اینست که از آنجا که همه جوامع یک تعداد از گروه‌های با هویت خاص خود را دارند، مسلماً (مسلم فرض می‌گیرند) گروه‌های قومی و مذهبی واحدهای ابتدایی تحلیل امنیت اجتماعی هستند. بر این مبنای امنیت اجتماعی عبارت است از: قابلیت حفظ شرایط قابل قبول داخلی برای تحول الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، انجمن‌ها، رسوم و هویت ملی و مذهبی. دوم، نظریه میتار در رابطه با امنیت اجتماعی. میتار معتقد است که اشکال متنوع جرم، آسیب‌های اجتماعی، جنگهای داخلی و بین‌المللی از عوامل موثر بر امنیت اجتماعی در هر سیستمی اند. سوم، تعریف ارائه شده از امنیت اجتماعی با توجه به بافت جامعه کردی.

بر اساس چارچوب نظری ذکر شده متغیرهای مستقل تاثیرگذار بر امنیت اجتماعی (متغیر وابسته) عبارتند از: اشکال متنوع جرم و ناآرامیهای شهری مانند به تنهایی قدم زدن در شب، مزاحمت‌های خیابانی، ترس از کیف‌قاپی در خیابان و ترس از دزدی از منزل (تاثیر منفی) در حوزه اجتماعی (با توجه به تئوری میتار) و - پایگاه اقتصادی - اجتماعی، آبرو و حیثیت افراد (در حوزه اجتماعی)، هنجارهای اجتماعی (تاثیر مثبت در نظریه مالر ویور و بوزان).

روش‌شناسی

روش مورد استفاده در این مقاله برای جمع‌آوری اطلاعات، ترکیبی از روش‌های کیفی (مصاحبه عمیق^{۱۵}) و کمی (پرسشنامه خود اجرا) می‌باشد. در مقاله حاضر با بکارگیری مصاحبه عمیق و پرسشنامه محقق‌ساخته به بررسی امنیت اجتماعی افراد ساکن شهر سنندج پرداخته شده است. در برگه مصاحبه برای عوامل موجود در حوزه اجتماعی، سوالاتی مطرح شده است. پاسخ به سوالات مربوط به عوامل مختلف داخل حوزه، تأثیر حوزه بررسی (اجتماعی) را بر امنیت اجتماعی شهروندان مناطق حاشیه و مرکز شهر سنندج نشان می‌دهد.

در مورد این گونه موضوعات حساس تنها استفاده از روش پیمایشی به هیچ وجه نمی‌تواند پاسخگوی سوالات تحقیق باشد به همین دلیل از روش کیفی نیز برای گردآوری اطلاعات عمیق استفاده شده است. ترکیب نوع داده‌ها نتایج مفیدی به بار می‌آورد به ترتیبی که داده‌های کمی می‌توانند روابط قابل مشاهده را نشان دهند و بنابراین یافته‌های بدست آمده از تحقیق کیفی را پشتیبانی کنند. همچنان که داده‌های کیفی نیز در طرح یک پرسشنامه دقیق و ارائه شاخص‌های مفید برای بیان سوالات موجود در پرسشنامه می‌تواند بسیار مفید واقع شود.

در مقاله حاضر استفاده از منابع چندگانه جمع‌آوری اطلاعات، همچون مصاحبه عمیق و به دنبال آن انجام تحقیق پیمایشی، تقویت‌کننده اعتبار سازه و نیز روایی تحقیق شده است. جامعه آماری کلیه شهروندان کرد بالای ۱۸ سال ساکن در مناطق حاشیه و مرکز شهر سنندج است. در بخش کمی از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. از مناطق مرکز شهر، مبارک آباد و شهرک سعدی و از مناطق حاشیه نشین کانی کوزله، عباس آباد و فرجه به عنوان نمونه انتخاب شده اند. از افراد و خانواده‌های مرکز شهر ۲۰ مصاحبه و از افراد ساکن در حاشیه ۴۰ مصاحبه به عمل آمد. در تحقیقات کیفی رجوع به واقعیت تا وضعیت کفایت^{۱۶} ادامه می‌یابد. کفایت هنگامی است که این قدر داده بدست آمده باشد که حالت اشباع پیش آید. در اینجا با نوعی نمونه‌گیری نظری و نه تصادفی سروکار داریم. هدف نمونه‌گیری نظری، نمونه‌گرفتن از حوادث، رخدادها و امثال آنها است که نشانگر مقولات و خصوصیات و ابعاد آنها است، لذا می‌توان آنها را به طور مفهومی گسترش و ارتباط داد (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۵۷). در این مقاله بر اساس ۶۰ نمونه کفایت حاصل شده است. در بخش کمی نیز ۴۰۰ پرسشنامه در این مناطق به اجرا درآمده است. اطلاعات مورد نیاز در این بخش از تحقیق از طریق تکمیل پرسشنامه‌ها، به سبک خود اجرا، جمع‌آوری و سپس پردازش شد.

نتایج و یافته‌های پژوهش

در آغاز به معرفی گروههایی که از مصاحبه در مناطق حاشیه و مرکز شهر شناسایی شده‌اند، می‌پردازیم. دو گروه در حاشیه و دو دسته از افراد و خانواده‌ها در مرکز شهر شناسایی شدند. در مرحله بعد سطوح انتزاع و نکات کلیدی و محوری در رابطه با امنیت اجتماعی که از تفسیر مصاحبه‌ها نمایان شده‌اند بیان می‌گردد. توجه به این نکات اصلی ما را در تحلیل مصاحبه‌ها یاری می‌کند. سپس عناصر و مؤلفه‌های حوزه اجتماعی را برای هر کدام از گروه‌های موجود در حاشیه و مرکز شهر سنندج مورد بررسی قرار می‌دهیم. در رابطه با هر یک از حوزه‌های مذکور دو بخش توصیفی و تبیینی داریم. بخش توصیفی عکس‌العمل‌ها و واکنش‌های پاسخگویان هر گروه را نسبت به عوامل داخل هر حوزه بیان می‌کند. قسمت تبیینی عللی که موجبات چنین واکنش‌های را فراهم آورده‌اند، کند و کاو می‌کند. و سرانجام حدسهای ارائه شده در رابطه با پارامترهای حوزه اجتماعی و امنیت اجتماعی چهار گروه موجود در حاشیه و مرکز سنندج بررسی می‌گردد.

معرفی گروه‌های شناسایی شده

بر اساس ۶۰ مصاحبه به عمل آمده از شهروندان حاشیه و مرکز شهر سنندج، چهار گروه به شرح زیر شناسایی شدند. در حاشیه شهر سنندج دو گروه شناسایی شدند.

گروه اول افرادی هستند که خاستگاه اجتماعی روستایی داشته و مدت زمان کوتاهی به شهر آمده، همچنان زمین‌هایی در روستا داشته و در حاشیه سنندج سکنی گزیده‌اند. این افراد برای فرار از وضعیت نابسامان روستا به شهر آمده‌اند. منبع اصلی درآمد گروه مذکور بر دوش پسران خانواده است. جوانان این خانواده‌ها تحصیلات را در مقاطع پایین (دبستان و راهنمایی) ترک نموده و به کارگری (کار کردن در ساختمان سازی، شرکتها، رستورانها و...) در شهرهای دیگر و به ویژه تهران می‌پردازند.

گروه دوم خانواده‌هایی می‌باشند که مدت زمان زیادی در حاشیه سنندج ساکن هستند. این گروه که خاستگاه خود را به یاد نمی‌آورند و با دیده تحقیر به گروه اول نگاه می‌کنند، شغل پرخطر قاچاق کالا را اختیار کرده‌اند. تأمین زندگی با استفاده از قاچاق، افراد این گروه را به دو گروه تقسیم کرده است: (۱) گروه اول، قاچاقچیان عمده هستند که مدت زمان زیادی به این کار مشغولند. (۲) گروه دوم، کسانی که تازه کارند و مشکلات زیادی در رابطه با حمل و نقل کالا از مرز دارند و می‌توان آنها را قاچاقچیان خرد و تازه به دوران رسیده نامید. در واقع قاچاق کالا برای این گروه نقش همان متغیر ذکر شده برای گروه اول را ایفا نموده و شیوه خاص معیشتی را بوجود آورده است.

در مرکز شهر سنندج نیز دو گروه از افراد و خانواده‌ها را داریم. گروه اول، خاستگاه اجتماعی روستایی داشته، مالکان عمده مزارع وسیع گندم، یونجه و باغهای گوناگون میوه‌اند و به همین دلیل در فصلهای معینی (بهار و تابستان) به روستا رفته و به گردآوری محصولات و نظارت بر آن می‌پردازند و در فصلهای پاییز و زمستان به کارهای عمده و پر درآمدی مانند فرش فروشی، کفش فروشی، طلافروشی، وسایل آرایشی و بهداشتی، بوتیک، بنگاههای معاملاتی مسکن و ماشین، وسایل الکتریکی و خانگی، شرکتهای تعاونی مصرف، مغازه‌داری عمده داخل پاساژ و... مشغولند. داشتن ارتباط دائمی با روستا موجب شده که این افراد سنتی باشند و به ارزشهای سنتی و روستایی وفادار بمانند؛ مانند همکاری و اتحاد انسانها، حفظ حجاب، پوشیدن لباس کردی برای زن و مرد، مراسم مذهبی، مراسم عروسی به سبک سنتی و... داشتن شغل‌های متفاوت، منابع

درآمدی را متنوع نموده و بر این اساس نظم خاصی را بر شیوه معیشت این خانواده‌ها حاکم کرده است.

گروه دوم از خانواده‌هایی هستند که مدت زمان زیادی در سنندج زندگی می‌کنند و ارتباط کمتری با روستا دارند. افراد عضو چنین خانواده‌هایی به کارهای رسمی و اداری مشغولند. کارمندان ادارات مختلف صدا و سیما، بهزیستی، کمیته امداد، تأمین اجتماعی، هلال احمر، روزنامه‌نگاران و سردبیران نشریات کردی، کارمندان شرکت‌های دولتی، معلمان و اساتید دانشگاه و به طور کلی قشر رسمی و فرهنگی جامعه از این گروه‌اند. منبع درآمدی‌شان همان حقوقی است که از مراکز دولتی می‌گیرند افراد این گروه خود را از ساکنان اصلی سنندج و حاملان پدیده‌های مدرن جامعه شهری (رقابت و فردگرایی، پوشیدن مدهای جدید و غربی، سبک‌های جدید در مراسم عروسی، بی‌اعتنایی به مناسک مذهبی و ...) دانسته و باورهای گروه بالا را از مد افتاده می‌دانند.

در این مقاله توجه و تمرکز ما روی مناطق حاشیه و مرکز شهر سنندج بوده و از مناطقی که در وسط این دو ناحیه باشد، صرف‌نظر کرده‌ایم. و برای اینکه نمونه ما نمونه معرفی باشد به سوی مناطقی رفته‌ایم که واقعاً در حاشیه و مرکز سنندج واقع شده‌اند و به همین دلیل چهار گروه متمایز از همدیگر در مصاحبه‌ها تشخیص داده شده است. چه بسا اگر مناطق دیگری هم به عنوان نمونه انتخاب می‌شدند گروه‌های غیر از چهار گروه مطرح شده و یا گروه‌های که با چهار گروه بالا هم پوشانی داشته باشند، شناسایی می‌شدند.

در بررسی ابعاد عینی و ذهنی امنیت اجتماعی با سه گونه متفاوت روبرو هستیم:

۱- گونه اول هنگامی است که فرد در یک زمینه خاص (تحت تأثیر یک عامل در یک حوزه) موقعیتهای نگران کننده و تهدیدآوری را تجربه کرده باشد و همیشه به پیروی از آن، احساس ترس و دلهره کند.

۲- گونه دوم زمانی حادث می‌شود که فرد در معرض موقعیت و شرایطی که امنیت وی را تهدید می‌کنند قرار نگرفته است اما از طریق کانالهای غیر رسمی (شنیدن از دوستان و آشنایان، شایعه و ...) آگاهی یافته که شرایط ترس آوری برای فردی یا عده‌ای بوجود آمده است. بر این اساس احساس ناامنی به وی راه می‌یابد.

۳- گونه سوم زمانی مطرح می‌شود که موقعیت تهدیدآوری برای عده‌ای از افراد بوجود آمده است. اما عده‌ای دیگر نسبت به آن بی‌تفاوت‌اند. به عبارت بهتر افراد، خانواده‌ها و گروه‌هایی متفاوت منابع تهدید خود را با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در عناصر و حوزه‌های جداگانه‌ای می‌یابند. حال به بررسی عناصر و مولفه‌های حوزه اجتماعی و چگونگی تأثیر آن بر امنیت اجتماعی چهار گروه موجود در حاشیه و مرکز شهر سنندج می‌پردازیم. (صمدی، ۱۳۸۴)

حوزه اجتماعی امنیت اجتماعی

گروه اول: حاشیه نشینان با خاستگاه روستایی

در بررسی گروه اول حاشیه‌نشینان با خاستگاه روستایی، در رابطه با جرایم، گونه دوم امنیت اجتماعی را داریم. یعنی فرد در موقعیت و شرایطی که امنیت وی را تهدید می‌کنند، قرار نگرفته ولی از دوستان و آشنایان شنیده که برای افرادی موقعیت نگران کننده بوجود آمده است. از این طریق احساس ناامنی به فرد راه می‌یابد. ۷۰ درصد پاسخگویان (مطابق جدول ۷) بر سرقت و قتل تأکید کرده‌اند و بیان نموده‌اند که تا کنون حادثه‌ای برای آنها پیش نیامده که طی آن پول، کیف و یا چیزهای همراهشان به سرقت رود و یا کسی قصد جان‌شان را بکند. اما چون از افرادی شنیده‌اند که چنین وقایعی برای اشخاصی پیش آمده، همیشه احساس ترس و دلهره در این باره دارند. «تا کنون کسی به قصد کشتن من اقدام نکرده و حادثه‌ای را به یاد نمی‌آورم که کیف، پول و یا وسایل دیگری از من سرقت شده باشد. اما از دوستانم شنیده‌ام که چنین حوادثی برای افرادی رخ داده است» (یک مرد ۴۷ ساله).

درباره ناآرامی شهری به عنوان یکی از عوامل حوزه اجتماعی، گونه اول امنیت اجتماعی صدق می‌کند. یعنی در رابطه با آدمیان دیگر، فرد موقعیت تهدیدآوری را تجربه کرده و همیشه به پیروی از آن، احساس ترس و نگرانی دارد. مصاحبه شونده‌گان بیان کرده‌اند که موقعیتهای بیشماری پیش آمده که امنیت و آسایش آنها توسط عده‌ای از افراد به خطر افتاده و همیشه از این می‌ترسند که مبادا چنین واقعه‌ای دوباره تکرار شود. دختری ۲۰ ساله می‌گوید: «از زمانی که به شهر آمده‌ایم، هنگامی که به خیابان برای خرید می‌روم، جوانانی از خیابان تا خانه مرا تعقیب می‌کند و حرفهای زشت به من می‌زنند. برای اینکه چنین وقایعی تکرار نشود یا برادر کوچکم را با خودم می‌برم و یا از مسیری رفت و آمد می‌کنم که خلوت نباشد و عده‌ای در آنجا حضور داشته باشند.»

در رابطه با آبرو و حیثیت و ناموس افراد، ۷۵ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند موارد بسیاری را مشاهده کرده‌اند که افرادی با گفتن متلک و حرفهای رکیک و رفتارهای غیر عادی به زنان و بویژه دختران امنیت و آسایش آنها را مورد تهدید قرار داده‌اند. «در طول روز موارد زیادی را مشاهده کرده‌ام که جوانان مردانی سی تا چهل ساله حرفهای زشت به دختران و زنان گفته‌اند.» (مرد ۵۲ ساله)

زنی ۴۰ ساله می‌گوید: «در شهر با موارد عجیب و غریبی برمی‌خوریم. جوانانی که با حرفهای زشت من را تعقیب می‌کنند، موتورسوارانی که به سرعت از کنار من گذرند و فریاد می‌زنند. مغازه‌داری که به طرز عجیبی به چشم من خیره می‌شود و ...» سباستین روشه در این باره معتقد است که مواردی مانند سرقت، دورهم جمع شدن، متلک‌های رکیک به زنان و دختران، سروصدا و هیاهو و دیگر مشغولیت‌های نامشروع و هم‌ستیزی جوانان رفتارهای غیر مدنی هستند که تهدید کننده امنیت اجتماعی افراد است (۱۳۸۰: ۳۵-۳۴).

همچنین زنان و دختران این گروه معتقدند که محیط شهر آتقدر ناامن است که همیشه احساس ترس دارند که تنهایی بیرون از خانه بروند، مگر اینکه یکی از افراد خانواده همراه آنها باشد. این ترس بویژه در شب بیشتر است. «زمانی که در روستا بودیم. با دوستان به سرچشمه می‌رفتیم و با همدیگر گپ می‌زدیم و به ما خوش می‌گذشت. اما از زمانی که به شهر آمدیم مجبورم که در ساعات مشخص با پدر و مادر و برادرم به خیابان بروم و زود برگردم.» (دختر ۲۰ ساله)

جدول شماره (۱) ترس از بیرون رفتن در شب به تنهایی به تفکیک جنس

درصد			فراوانی			از اینکه شب به تنهایی بیرون بروم، می‌ترسم.
مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	
۴۰	۶۰	۱۰۰	۲۰	۳۰	۵۰	کاملاً موافق
۰	۳۰	۳۰	۰	۱۵	۱۵	موافق
۲۰	۳۰	۵۰	۱۰	۱۵	۲۵	تا حدودی موافق
۰	۲۰	۲۰	۰	۱۰	۱۰	تا حدودی مخالف
۵۰	۳۰	۸۰	۲۵	۱۵	۴۰	مخالف
۹۰	۳۰	۱۲۰	۴۵	۱۵	۶۰	کاملاً مخالف
۲۰۰	۲۰۰	۴۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۲۰۰	مجموع

در این تحقیق ۲۰٪ مردان و ۳۰٪ زنان با این گویه کاملاً موافق بودند که از اینکه به تنهایی در شب بیرون بروند ترس دارند. هیچ کدام از مردان با این گویه موافق نبوده و ۱۵٪ زنان موافق این گویه

بررسی تاثیر عناصر اجتماعی بر امنیت اجتماعی در شهر سنندج.....۱۶۷

هستند که از اینکه به تنهایی در شب بیرون بروند، می ترسند. ۱۰٪ مردان و ۱۵٪ زنان تا حدودی با این گویه موافق هستند. در مجموع ۳۰٪ مردان در مقابل ۶۰٪ زنان از اینکه به تنهایی در شب بیرون بروند شدت متفاوتی از ترس داشته‌اند. در مقابل مردان مخالفت بیشتری با این گویه داشته و می-توان نتیجه گرفت که زنان ترس بیشتری دارند. اینکه آیا این تفاوت معنادار است یا نه در جدول زیر نمایش داده می شود.

جدول شماره (۲) رابطه بین جنسیت و مزاحمت های خیابانی

سطح معناداری	مقدار	
.۰۰۰	.۵۲۰	اسمی با ترتیبی
	۴۰۰	تعداد نمونه معتبر

در پرسشنامه خودساخته و اجرا شده در بین ۴۰۰ پاسخگو نیز در این زمینه که آیا ارتباطی بین جنسیت و مزاحمت های خیابانی وجود دارد، این نتایج بدست آمده است. برای زنان بیشتر از مردان مزاحمت وجود داشته است و رابطه بین جنسیت و مزاحمت خیابانی در حد ۹۹٪ معنی دار و شدت آن متوسط (۰/۵۲۰) می باشد.

علت این واکنش ها از سوی این گروه را می توان با توجه به خاستگاه اجتماعی روستایی شان و مدت زمان کوتاهی که به حاشیه شهر سنندج آمده‌اند، شرح داد. از آنجا که این گروه مدت کمی است که به حاشیه آمده و در شهر با مواردی جدید و غیر عادی برخورد کرده‌اند که در روستا وجود نداشته و امنیت و آرامش آنها از طریق این موارد جدید مورد تهدید قرار گرفته است، منبع تهدیدشان را از سوی این حوزه و عوامل آن می دانند. به عبارت دیگر افراد از مقایسه شهر و روستا به این نتیجه رسیده‌اند که چه مواردی تهدید کننده شان است. همچنین هر چه مدت زمان اقامت در حاشیه زیادتر شود، افراد با این موارد جدید خو گرفته و کمتر بر این نکات تأکید دارند. در عوض به مواردی اشاره می کنند که گروه ۲ حاشیه یعنی قاچاقچیان بعنوان منبع تهدیدشان از آن یاد می کنند (سطوح متفاوت تهدید).

بر اساس مطالب بالا، «عوامل موجود در حوزه اجتماعی، تأثیر منفی بر امنیت اجتماعی حاشیه نشینان دارد». به عبارت بهتر امنیت اجتماعی افراد با خاستگاه روستایی که در حاشیه سنندج ساکن هستند، از سوی عناصر و مؤلفه های حوزه اجتماعی مورد تهدید واقع می گردد. در این میان زنان و

دختران بیشتر در معرض تهدید هستند و شرارت اراذل و اوباش بزرگ‌ترین منبع تهدید افراد بویژه زنان و دختران است.

در واقع در جایی که هنجارهای اجتماعی توسط هر گروهی مراعات نشود، افراد احساس ناامنی می‌کنند. همانطور که در نظریه مالر هم گفته شد قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی برای تکامل الگوهای سنتی فرهنگ، انجمنها، مذهب و رسوم عناصر امنیت را تشکیل می‌دهند و در صورتیکه رعایت نشوند افراد احساس ناامنی می‌کنند. در نمونه‌های پرسشنامه نیز این مساله تایید شده است.

رابطه بین هنجارهای اجتماعی و امنیت اجتماعی

شاخصهای متغیر هنجارهای اجتماعی و امنیت اجتماعی هر دو در سطح ترتیبی بوده و چون هنجارهای اجتماعی متغیر مستقل فرض شده است در نتیجه از ضریب همبستگی اسپیرمن برای بررسی رابطه بین این دو متغیر استفاده شده است. ضریب همبستگی بدست آمده در جدول زیر (۰۴۵۶). همبستگی متوسط و مستقیمی را بین دو شاخص نشان می‌دهد که در سطح ۹۵٪ معنادار می‌باشد. بنابراین فرضیه صفر که بیانگر عدم وجود رابطه بین این دو شاخص است، رد می‌شود. بدین معنی که رعایت هنجارهای اجتماعی در جامعه زمینه‌ساز افزایش امنیت اجتماعی در جامعه می‌شود. میتار و یور، بوزان و مالر به این متغیر اشاره کرده‌اند.

جدول شماره (۳) رابطه بین هنجارهای اجتماعی و امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی	هنجارهای اجتماعی	Rho اسپیرمن
۴۶۵. ۰۴۵ ۴۰۰	۱ ۰ ۴۰۰	هنجارهای اجتماعی ضریب همبستگی معناداری نمونه
۱ ۰ ۴۰۰	۰۴۶۵ ۰۴۵ ۴۰۰	امنیت اجتماعی ضریب همبستگی معناداری نمونه

گروه دوم حاشیه‌نشینان: قاچاقچیان کالا

در شرح و بررسی مؤلفه‌های موجود در حوزه اجتماعی برای گروه قاچاقچیان، گروههای جنسی متفاوت با منابع تهدید مختلف را داریم. برای زنان و دختران خانواده‌هایی که به شغل قاچاق مبادرت می‌ورزند، همان وضعیت گروه قبلی حاشیه‌نشین حاکم است. «همیشه از اینکه جوانی مرا تعقیب کند و حرفهای زشت به من بزند نگرانم» (دختر ۱۹ ساله). زنی ۳۵ ساله می‌گوید: «حوادث

بسیاری برایم پیش آمده که راننده تاکسی، مغازه‌دار و یا جوانان سر کوچه به من توهین کرده‌اند و حرفهای زشتی زده‌اند.» اما برای مردان و پسران جوان حالت متفاوت دیگری حکمفرماست. در این صورت دو دسته از افراد داریم. دسته اول قاچاقچیان عمده هستند که گونه دوم امنیت اجتماعی برای آنها صادق است. یعنی فرد در معرض موقعیت تهدیدآور قرار نگرفته اما چون برای عده‌ای رخ داده، احساس ناامنی می‌کند. ۸۰٪ قاچاقچیان عمده (مطابق جدول ۷) اظهار کرده‌اند که جرایمی مانند سرقت و قتل برای آنها پیش نیامده ولی در این باره احساس ترس می‌کنند که مبادا چنین حوادثی برای آنها اتفاق افتد. «حادثه‌ای برایم پیش نیامده که کالاهایم به سرقت رود و یا جانم به خطر افتد. اما نگرانم که چنین مواردی برایم اتفاق افتد» (مرد ۲۶ ساله). برای قاچاقچیان خرد در رابطه با سرقت کالا حالت اول و برای قتل گونه دوم صدق می‌کند. ۷۰٪ قاچاقچیان تازه-کار به مواردی اشاره می‌کنند که کالاهای آنها مورد سرقت قرار گرفته و از بسیاری از دوستان و همکاران خود شنیده‌اند که زندگی افرادی به خطر افتاده. از دوستانم شنیده‌ام که کسی به قتل رسیده و من در رفته است. ولی تا کنون جانم به خطر نیفتاده. از دوستانم شنیده‌ام که کسی به قتل رسیده و من در این باره احساس خطر می‌کنم» (مرد ۵۰ ساله).

در رابطه با ناآرامی‌های شهری برای هر دو دسته قاچاقچیان عمده و خرد حالت سوم امنیت اجتماعی صادق می‌باشد. یعنی موقعیت تهدیدآور برای عده‌ای از افراد بوجود آمده است ولی قاچاقچیان نسبت به آن بی‌تفاوتند. ۷۰٪ از پاسخگویان ناآرامی‌های شهری را بی‌معنا، کم‌اهمیت و جزئی می‌دانند که نباید در برابر آنها موضع‌گیری نمود و به عنوان منبع تهدید از آن نام برد. و افرادی که اینگونه موارد را تهدید کننده امنیت خود می‌دانند ترسو خطاب می‌کنند. مرد ۲۷ ساله: «آدم اگر دل و جرأت داشته باشد یک عده جوان ضعیف نمی‌توانند او را اذیت کنند». فردی دیگر می‌گوید: «افراد این کوچه و محل آنطوری که می‌شناسم توانایی دزدی و قتل و اذیت و آزار دیگران را ندارند». «انسان اگر شجاع باشد، دیگران به خود اجازه نمی‌دهند او را اذیت کنند» (مرد ۲۶ ساله).

درباره آبرو و حیثیت و ناموس افراد، قاچاقچیان بی‌تفاوتند، ۷۰٪ پاسخگویان (مطابق جدول ۷) اظهار کرده‌اند که موردی پیش نیامده که فردی یا عده‌ای، ناموس و آبروی آنها را تهدید کند و کسی را هم در محیط اجتماعی ندیده‌اند که با متلک انداختن و یا تعقیب و جستجو، دختران و

زنان را اذیت کند و در این باره احساس تهدید و ناامنی هم نمی‌کنند. «موردی را مشاهده نکرده‌ام که کسی به ناموس دیگری توهین کرده باشد.»

بر این اساس، حدس مطرح شده برای این گروه یعنی «عناصر موجود در حوزه اجتماعی، تأثیر منفی بر امنیت اجتماعی گروه قاچاقچیان دارد» به دو صورت متفاوت مورد بررسی قرار می‌گیرد. حدس مذکور درباره زنان و دختران مورد تأیید واقع می‌شود. به عبارت بهتر زنان و دختران گروه دو حاشیه یعنی قاچاقچیان منابع تهدید امنیت‌شان را از سوی حوزه اجتماعی و عوامل آن می‌دانند. اما درباره مردان رد می‌شود. به عبارت بهتر مردان قاچاقچی امنیت اجتماعی‌شان از سوی حوزه اجتماعی مورد تهدید قرار نمی‌گیرد بلکه منابع تهدیدشان را در حوزه‌های دیگر تشخیص می‌دهند. گروه اول مرکز نشین: بازاریان

در رابطه با اشکال متنوع جرم گونه اول ابعاد عینی و ذهنی امنیت اجتماعی برای سرقت و گونه دوم برای قتل در این گروه صدق می‌کند. ۷۰٪ پاسخگویان (مطابق جدول ۷) به دزدی و قتل توجه داشته و اظهار کرده‌اند موقعیت یا حادثه‌ای پیش آمده که باعث شده اموال آنها مورد سرقت قرار گیرد. اما تاکنون کسی قصد جان‌شان را نکرده ولی همیشه ترس دارند که چنین وقایعی برای آنها رخ دهد. «زمانی به مراسم عروسی در روستا دعوت شده بودیم. دو روز طول کشید. بعد از بازگشت به شهر متوجه شدیم که مغازه را سرقت کرده‌اند. به جز چند دعوای لفظی کسی قصد جانم را نکرده است. ولی می‌ترسم که چنین حادثه‌ای برایم اتفاق بیفتد» (زن ۵۰ ساله). این گروه علی‌الخصوص بر دزدی منزل و مغازه تأکید می‌کنند و سرقت منزل و مغازه را منبع عمده تهدید امنیت اجتماعی‌شان می‌دانند. و برای جلوگیری از ایجاد موقعیت ناامن و دلهره‌آور، کارهای امنیتی (مانند نصب چند کلید بر در مغازه، نصب دزدگیر بر وسایل گرانبیامت) را به شیوه جدی و شدیدی به کار می‌گیرند.

جدول شماره (۴) ترس از سرقت ماشین در شب

درصد	فراوانی	اگر شب ماشینی در کوچه پارک شود سرقت می شود.
۱۰	۴۰	کاملا موافق
۵	۲۰	موافق
۳۰	۱۲۰	تا حدودی موافق
۱۲.۵	۵۰	تا حدودی مخالف
۳۲.۵	۱۳۰	مخالف
۱۰	۴۰	کاملا مخالف
۱۰۰	۴۰۰	جمع

در این تحقیق ۱۰٪ پاسخگویان کاملاً موافق و ۱۰٪ دیگر نیز کاملاً مخالف این گویه هستند که اگر شب در کوچه ماشینی پارک شود مورد سرقت قرار گیرد. ۵٪ موافق و ۳۲.۵٪ مخالف این گویه بودند. بدین معنی که اکثر پاسخگویان ترس کمتری از سرقت ماشین در کوچه در شب را دارند. در مقابل ۳۰٪ تا حدودی موافق و ۱۲.۵٪ تا حدودی مخالف این گویه هستند. برای اینکه بینیم تفاوتی بین درآمد و نگرش نسبت به سرقت ماشین در شب وجود دارد باید به جدول زیر مراجعه شود.

جدول شماره (۵) رابطه بین درآمد و نگرش نسبت به سرقت ماشین در شب

باور به سرقت ماشین	درآمد	
۱۶۰.۹۹	۲۰۸.۹۹	Chi-square
۵	۲۰	درجه آزادی
.۰۰۰	.۰۰۰	معناداری

بر این اساس یافته‌های حاصل از مطالعه کمی نیز بیانگر آن است که افرادی که درآمد بالایی دارند نسبت به دیگران احساس ترس بیشتری از سرقت اموال از قبیل ماشین دارند. بدین معنی که هر چه درآمد افراد بالاتر رود بیشتر احساس ترس از سرقت اموال دارند. این رابطه در سطح ۹۹٪ قابل تعمیم به جامعه است.

در باره ناآرامی‌های شهری مصاحبه شونده‌گان این گروه معتقدند که موقعیت ناامنی در داخل شهر و در رابطه با آدمیان برایشان بوجود نیامده که امنیت آنها را تهدید کند. اما همیشه از دو مورد می ترسند. اول، کیف قاپی یا جیب‌بری است. «هنگام گذر از یک مسیر شلوغ بسیار مراقب هستم که کسی کیف، پول و یا وسایل دیگر را سرقت نکند، اما شهر نسبت به روستا ناامن است و از دوستم شنیده‌ام که چنین حادثه‌ای برای وی اتفاق افتاده و کیف وی که حاوی مقداری پول، شناسنامه و

مدارک دیگر بوده به سرقت رفته است.» ۷۰٪ از افراد معتقدند که زمانی در خیابانها و مسیرهای شلوغ و پر ازدحام حرکت می کنند همیشه دست خود را محکم روی جیب یا کیفشان نگه می دارند مبادا در این شلوغی مورد سرقت قرار گیرد. افراد بیان کرده اند که این حادثه را از دوستان و آشنایان شنیده اند و چنین موقعیتی برایشان پیش نیامده است. در نمونه های پرسشنامه نیز همه زنان (۱۰۰٪) موافق بودند که از ترس کیف قاپی همیشه مضطرب هستند.

دوم؛ شرارت ارادل و اوباش و جوانانی است که با حالت مست و صدای بلند و لباسهای عجیب و غریب و موی دراز در سر راه افراد بویژه دختران می ایستند و یا با موتور به سرعت از کنار فرد می گذرند. آنها را تعقیب می کنند و سوت و داد و فریاد می زنند. «موارد زیادی برایم رخ داده که طی آن عده ای جوان با لباسهای گشاد و موی بلند و سوار بر موتور به سرعت از کنار من گذر کرده و داد و فریاد می زدند» (یک مرد ۴۸ ساله). زن ۳۰ ساله می گوید: «موارد زیادی بوده که چند جوان سوار بر موتور از کنار من گذشته اند و حرفهای زشت زده اند. چنین رفتاری چند دفعه تا هنگام عبور من به خیابان اصلی توسط موتورسواران انجام شده است. ما زمانی که در روستا زندگی می کردیم، چنین مشکلاتی را نداشته ایم.» این حوادث برای ۸۰٪ افراد بویژه زنان و دختران بوجود آمده و همیشه از این بابت احساس ناامنی می کنند. زنان معتقدند برای جلوگیری از تکرار چنین وقایعی از مسیری رفت و آمد می کنند که جوانان لابلالی در آنجا نیستند و یا برای خریدن کالا یا جنس با دوستانشان به داخل شهر می روند.

در رابطه با آبرو، حیثیت و ناموس افراد، ۸۰٪ پاسخگویان واکنش شدیدی را از خود نشان داده و در این باره موضع گیری می کنند. زنان گروه اظهار کرده اند که موقعیتهای بیشماری پیش آمده که مردان و جوانانی با حرفهای رکیک و مبتذل آنها را اذیت کرده اند و یا از خیابان تا خانه آنها را تعقیب نموده اند. «همیشه از اینکه جوانی در سر راه من قرار بگیرد و من را دنبال کند می ترسم» (زن ۳۰ ساله). دختری ۲۶ ساله می گوید: «برای اینکه عده ای از جوانان لابلالی در سر راهم نباشند از مسیری رفت و آمد می کنم که اینگونه افراد در آنجا نیستند». مردان هم بیان کرده اند که در طول روز موارد زیادی را دیده اند که عده ای از افراد (میانسالان و جوانان) دختر یا زنی را با گفتن حرفهای زشت اذیت کرده اند. «در طول روز موقعیتهای زیادی اتفاق افتاده که جوانان با گفتن حرفهای زشت دختری را اذیت کرده اند. به نظر من باید اتوبوسی برای انتقال دختران محصل از خانه به مدرسه وجود داشته باشد تا چنین مواردی پیش نیاید». افراد این گروه برای جلوگیری از

این مسئله و امن بودن دخترانشان طرح جابه‌جایی دختران از خانه به مدرسه با اتوبوس دولتی یا شرکتی را پیشنهاد می‌کنند. اما تغییری که در این باره مداخله می‌کند و وضعیت را تغییر می‌دهد، اقامت خانواده در سنندج است. به این معنا هرچه مدت اقامت خانواده‌ها در شهر سنندج زیادتر شود این مورد (آبرو و...) را تهدید کننده امنیت‌شان نمی‌دانند و طرز فکر و نگرش آنها شبیه گروه ۲ مرکز یعنی قشر فرهنگی و رسمی در رابطه با آبرو و حیثیت افراد می‌شود.

به نظر می‌رسد عکس‌العمل خاص این گروه در رابطه با پارامترهای حوزه اجتماعی به چند علت بر می‌گردد. (۱) این گروه چون محور اصلی درآمدشان در رابطه با مغازه می‌باشد، منبع تهدیدشان را سرقت مغازه و وسایل آن تشخیص داده‌اند. همچنین این افراد اشیاء و کالاهای گرانقیمت و نفیسی در خانه دارند که موجب شده نسبت به دزدی حساسیت ویژه‌ای داشته باشند و چون این مورد را تهدید کننده امنیت خود می‌دانند، مکانیسم جبرانی برای جلوگیری از آن اتخاذ می‌کنند و دست به کارهای امنیتی مانند نصب دزدگیر و... می‌زنند.

(۲) چون این افراد در حال رفت و آمد از شهر به روستا هستند (به علت شغلشان) دست به مقایسه این دو جامعه می‌زنند. و از آنجا که در روستا مواردی مانند شرارت جوانان و.. وجود ندارد، این موارد جدید و غیر عادی را تهدید کننده ذکر می‌کنند و چون این منابع تهدید لطمات روحی به صورت مکرر و جدی به آنها زده است به صورت مسئله درآمده است و بنابراین به ارائه راه‌حل می‌پردازند.

بر این اساس، حدس مطرح شده یعنی «عوامل موجود در حوزه اجتماعی، تأثیر مثبتی بر امنیت اجتماعی گروه بازاریان دارد» رد می‌گردد. در واقع گروه بازاریان، امنیت اجتماعی‌شان از سوی حوزه اجتماعی مورد تهدید قرار می‌گیرد. که در این میان دزدی وسایل مغازه و منزل، شرارت اراذل و اوباش و متلک انداختن به زنان و دختران از موارد موجود در حوزه اجتماعی‌اند که از سوی افراد ساکن در مرکز شهر به عنوان تهدید شناخته شده‌اند.

گروه دوم مرکز نشین: قشر رسمی و فرهنگی

شرح و بررسی عناصر حوزه اجتماعی قشر رسمی و فرهنگی شهر سنندج روند خاص خود و متفاوت از گروه‌های دیگر را دارا می‌باشد. در رابطه با جرایم، برای سرقت گونه اول و برای قتل گونه دوم ابعاد عینی و ذهنی امنیت اجتماعی را داریم. ۴۰٪ مصاحبه شوندگان (مطابق جدول ۷) بر دزدی و قتل تأکید داشته‌اند و اظهار کرده‌اند که موقعیتی برایشان پیش آمده که در اثر آن اموال،

پول، کیف و ... به سرقت رفته است. اما تا به حال کسی قصد جان آنها را نکرده است. ولی از حادث شدن این وقایع می ترسند. «مواردی بوده که اسباب منزلتان را به سرقت برده اند ولی کسی قصد جانم را نکرده ولی از اینکه چنین حادثه ای برایم رخ دهد، نگرانم» (زن ۲۸ ساله). البته ترس این گروه مانند گروه یک مرکز نشینان نیست، طوری که به انجام کارهای امنیتی بپردازند.

جدول شماره (۶) ترس از دزدی

ترس از دزدی	فراوانی	درصد
کاملاً موافق	۸۰	۲۰
موافق	۸۰	۲۰
تا حدودی موافق	۷۰	۱۷.۵
تا حدودی مخالف	۲۰	۵
مخالف	۱۰۰	۲۵
کاملاً مخالف	۵۰	۱۲.۵
جمع	۴۰۰	۱۰۰

نمونه پرسشنامه نیز بیانگر آن است که در مجموع ۴۰٪ پاسخگویان از اینکه به مدت طولانی خانه را ترک کنند، از دزدی می ترسند. ۱۷.۵٪ تا حدودی به این دلیل مضطرب هستند. در مجموع نیز ۴۲.۵٪ از ترک خانه به خاطر دزدی اظهار ترس نکرده اند که همانطور که گفته شد طبقه مرفه بیشتر دغدغه امنیت مالی دارند.

درباره ناآرامی های شهری به عنوان یکی از پارامترهای این حوزه، ۸۰٪ پاسخگویان به موارد، موقعیتها و رویدادهای معین و مشخص اشاره می کنند که در طول روز برای آنها پیش می آید و آرامش آنها را به مخاطره انداخته و امنیت آنها را تهدید می کند. مهمترین این موقعیتها از این قرار است:

- هل دادن و تنه زدن به فرد در یک مسیر شلوغ، ایستادن در صف های طویل (مثلاً خرید شیر یارانه، مرغ و ...)، و منتظر ماندن و معطل شدن برای اتوبوسهای شهری.

«هنگامی که در صف های طولانی برای خرید شیر و .. ایستاده ام، نوعی فشار به من وارد می شود» (زن ۳۰ ساله). مرد ۴۴ ساله می گوید: «زمانی که در یک مسیر شلوغ و پر ازدحام قرار می گیریم، عده ای با تنه زدن به من مرا عصبانی می کنند». این موقعیتها هم برای مردان و هم برای زنان پیش آمده و از سوی آنها تهدید کننده امنیت اجتماعی شان شناخته شده است.

بررسی تاثیر عناصر اجتماعی بر امنیت اجتماعی در شهر سنندج.....۱۷۵

افراد این گروه چون خود را از حاملان پدیده‌های مُدرن جامعه شهری می‌دانند، نسبت به قید و بندهای جامعه روستایی و سنتی مانند غیرتی بودن، حفظ حجاب و ... آنگونه که ویژگی گروه بازاریان می‌باشد، حساسیتی ندارند. چنین خصیصه‌ای را باید با توجه به پدیده‌های مدرن غربی مانند پارتی، و ... در نظر گرفت که در این گروه به صورت منزلی درآمده است. تا جایی که شرکت نداشتن در چنین مواردی و احساس تعلق نکردن به آن نوعی بی‌منزلی برای افراد به حساب می‌آید.

جدول شماره (۷) وضعیت عوامل داخل حوزه اجتماعی و امنیت اجتماعی گروه‌های شناسایی شده در سنندج

مناطق	گروه‌ها	اشکال متنوع جرم	ناآرامی‌های شهری	آیو، ناموس و حیثیت افراد
حاشیه نشینان	گروه ۱ حاشیه: حاشیه نشینان با خاستگاه روستایی	حدود ۷۰٪ سرقت و قتل	حدود ۸۰٪ (شرارت جوانان و داد و فریاد زدن در سر راه زنان و دختران)	حدود ۷۵٪ (گفتن مملکت و حرفهای رکیک به زنان بویژه دختران)
	گروه ۲ حاشیه: قاچاقچیان کالا	قاچاقچیان عمده و خرد (مردان) ۷۰ درصد قاچاقچیان خرد (سرقت کالا) زنان و دختران	۲۰٪ قاچاقچیان عمده (سرقت و قتل) ۷۰٪ ناآرامی‌های شهری از نظر اینها بی‌معناست	۷۰٪ (منوجه تهدیدات ناموس و حیثیت نمی‌شوند. بی‌تفاوت‌اند.)
مرکز نشینان	گروه ۱ مرکز: بازاریان	۷۰٪ (سرقت اموال و قتل)	۷۰٪ شرارت، اراذل و اوباش و جوانان در سر راه افسراد بویژه دختران	۸۰٪ (گفتن حرفهای رکیک به زنان و دختران)
	گروه ۲ مرکز: قشر رسمی و فرهنگی	۴۰٪ (سرقت پول، کیف و... و قتل)	۸۰٪ انواع ناآرامی‌های شهری: الف) هل دادن و تهمزدن به افراد در یک مسیر شلوغ ب) ایستادن در صف‌های طولیل (خرید شیر یازانه و...) ج) معطل شدن برای اتوبوس‌های داخل شهری	۸۰٪ (مملکت انداختن به دختران و... از نظر اینها تهدید کننده نیست.) ظهور پدیده‌های مدرنی مانند پارتی و... در این گروه.

تحلیل چند متغیره

متغیر امنیت اجتماعی به دو وجه احساس امنیت و عدم احساس امنیت تقسیم شده است، تا بایم که با استفاده از رگرسیون لجستیک کدامیک از متغیرهای مستقل با احتمال بیشتر پاسخگویان را به طور صحیح به این دو وجه یعنی داشتن و نداشتن امنیت تقسیم بندی می‌کنند. از آنجا که از روش پیشرو گام به گام استفاده شده است، تحلیل ابتدا با هیچ متغیری در مدل آغاز می‌شود. جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که با نبود هیچ متغیری در مدل و تنها با constant مدل توانسته است که ۶۲.۵ درصد از موارد را به طور صحیح طبقه‌بندی کند.

جدول شماره (۸) جدول طبقه بندی

پیش بینی شده		مشاهده شده
درصد صحیح برآورد شده	امنیت اجتماعی	
	پایین	
۱۰۰	۰	۲۵۰
۰	۰	۱۵۰
۶۲.۵		

جدول شماره (۹) متغیرهای وارد نشده در مدل

سطح معناداری	درجه آزادی	score	متغیرها
۰.۰۰۱	۱	10.578	سن
۰.۰۰۰	۱	۵۲.۲۸۷	جنس ۱
۰.۷۷۷	۲	۰.۵۰۵	محل
۰.۵۰۷	۱	۰.۴۴۱	محل
۰.۵۴۹	۱	۰.۳۵۹	محل ۲
۰.۷۰۹	۱	۰.۱۴۰	حجم خانواده
۰.۰۳۵	۱	۴.۴۴۴	وضعیت تأهل ۱
۰.۰۰۰	۴	۲۵.۲۷۵	تحصیلات
۰.۰۰۰	۱	۱۷.۰۹۴	تحصیلات ۱
۰.۰۳۰	۱	۴.۷۰۸	تحصیلات ۲
۰.۱۹۲	۱	۱.۷۰۵	تحصیلات ۳
۰.۰۳۷	۱	۴.۳۵۲	تحصیلات ۴
۰.۰۰۰	۱	۱۷.۲۳۱	درآمد
۰.۰۰۰	۱	۱۲.۷۳۵	هنجار اجتماعی
۰.۰۰۰	۱	۹۸.۸۵۳	جرایم اجتماعی
۰.۰۰۰	۱	۱۷.۰۸۱	میلان شهری
۰.۰۰۰	۱	۱۴.۲۸۰	عملکرد قانون
۰.۹۷۳	۱	۰.۰۰۱	عملکرد پلیس

جدول ۹ نشان می‌دهد که در گام نخست هیچ کدام از متغیرهای مستقل وارد مدل نشده‌اند اما شرط لازم برای ورود متغیرها به مدل مقدار آماره Score آنها می‌باشد. البته با در نظر گرفتن سطح معناداری آنها. نتایج این جدول نشان می‌دهد که متغیر جرایم اجتماعی با ۹۸.۸۵۳، جنس ۱ (مرد) با ۵۲.۲۶۷، تحصیلات با ۲۵.۲۷۵ دارای بیشترین مقدار Score هستند. در نتیجه اولین متغیری که وارد مدل می‌شود، متغیر جرایم اجتماعی می‌باشد. هر متغیری که وارد مدل می‌شود بر مقدار Score دیگر متغیرها اثر می‌گذارد و این به خاطر همبسته بودن متغیرهای مستقل است. بر اساس نتایج جدول شماره ۱۰ دومین متغیر وارد شده به مدل جنس ۱ (مرد) می‌باشد زیرا مقدار آماره آن در گام بعدی بیشتر از دیگر متغیرها بوده است. اما سومین متغیر، متغیر تحصیلات نیست زیرا آماره

Score آن در گام سوم کمتر از متغیر حجم خانواده بوده است، در نتیجه در گام سوم متغیر حجم خانواده وارد مدل رگرسیون شده است. در گام چهارم متغیر تحصیلات نیز به مدل وارد شده است و متغیرهای عملکرد قانون و هنجارهای اجتماعی به ترتیب در گام پنجم و ششم وارد مدل شده اند. در گام ششم متغیرها به ترتیب اهمیت عبارتند از جنس (مرد)، حجم خانواده، تحصیلات، هنجارهای اجتماعی، جرایم اجتماعی و عملکرد قانون. نباید پنداشت که اولین متغیر وارد شده به مدل همیشه بهترین متغیر اثر گذار بر متغیر وابسته است، همچنانکه متغیر جرایم اجتماعی اولین متغیری بود که وارد مدل شد اما در گام ششم پنجمین متغیر می باشد.

جدول شماره (۱۰) متغیرهای وارد شده در مدل

متغیرها	B	S.E.	wald	درجه آزادی	معناداری	Exp(B)
مرحله ۶ جنس ۱	-۲.۳۴۸	۰.۳۵۴	۴۴.۰۹۰	۱	۰.۰۰۰	۰.۰۹۸
حجم خانواده	۰.۵۸۹	۰.۱۱۶	۲۵.۵۲۵	۱	۰.۰۰۰	۱.۷۹۴
تحصیلات			۲۴.۶۹۲	۴	۰.۰۰۰	
تحصیلات ۱	۱۷.۳۲۰	۱۲۷۱۰.۱۳۳	۰.۰۰۰	۱	۰.۹۹۹	۳.۳۰۷
تحصیلات ۲	-۲.۱۵۳	۱.۴۹۸	۲.۰۷۲	۱	۰.۱۵۰	۰.۱۱۶
تحصیلات ۳	-۳.۶۰۲	۱.۵۱۰	۵.۶۹۱	۱	۰.۰۱۷	۰.۰۲۷
تحصیلات ۴	-۱.۱۹۴	۱.۴۱۷	۰.۷۱۰	۱	۰.۴۰۰	۰.۳۰۳
هنجار اجتماعی	۰.۱۰۰	۰.۰۴۰	۶.۲۳۰	۱	۰.۰۱۳	۱.۱۰۵
جرایم اجتماعی	-۰.۳۲۲	۰.۰۳۸	۷۳.۱۱۷	۱	۰.۰۰۰	۰.۷۲۵
عملکرد قانون	-۰.۱۰۱	۰.۰۳۲	۹.۹۵۵	۱	۰.۰۰۲	۰.۹۰۴
Constant	۵.۴۹۲	۱.۶۶۶	۱۰.۴۷۵	۱	۰.۰۰۱	۲۱۹.۶۶۷

متغیر وارد شده در مرحله ۱ جرایم اجتماعی متغیر وارد شده در مرحله ۲ جنس متغیر وارد شده در مرحله ۳ حجم خانواده

متغیر وارد شده در مرحله ۴ تحصیلات متغیر وارد شده در مرحله ۵ عملکرد قانون متغیر وارد شده در مرحله ۶ هنجارهای اجتماعی

همانطوری که در تحلیل رگرسیون برای بررسی معنادار بودن رابطه از مشخصه‌های آماری استاندارد F و t استفاده می شود در رگرسیون لجستیک از مشخصه‌های آماری استفاده می شود که دارای توزیع کای اسکویئر هستند. نتایج بدست آمده در جدول شماره ۱۱ نشان می دهد که متغیر جرایم اجتماعی با بهبود کای اسکویئر برابر با ۱۰۸.۶۹۷ و سطح معنی داری (p=۰.۰۰۰) در گام نخست و متغیرهای بعدی به ترتیب جنس (مرد) ۵۶.۰۸۰ (p=۰.۰۰۰)، حجم خانواده ۱۱.۱۳۰ (p=۰.۰۰۱)،

تحصیلات با بهبودی معادل ۲۷.۴۶۴ ($p=000$)، عملکرد قانون با ۵.۸۵۱ ($p=016$)، و هنجارهای اجتماعی با بهبودی برابر با ۶.۳۴۲ ($p=012$) وارد معادله شده‌اند.

جدول شماره (۱۱) آزمون عمومی ضرایب مدل

	Chi-square	درجه آزادی	معناداری
مرحله ۱ step Block Model	۱۰۸.۶۹۷	۱	۰.۰۰۰
	۱۰۸.۶۹۷	۱	۰.۰۰۰
	۱۰۸.۶۹۷	۱	۰.۰۰۰
مرحله ۲ step Block Model	۵۵.۰۸۰	۱	۰.۰۰۰
	۱۶۳.۷۷۷	۲	۰.۰۰۰
	۱۶۳.۷۷۷	۲	۰.۰۰۰
مرحله ۳ step Block Model	۱۱.۱۳۰	۱	۰.۰۰۱
	۱۷۴.۹۰۷	۳	۰.۰۰۰
	۱۷۴.۹۰۷	۳	۰.۰۰۰
مرحله ۴ step Block Model	۲۷.۴۶۴	۴	۰.۰۰۰
	۲۰۲.۳۷۱	۷	۰.۰۰۰
	۲۰۲.۳۷۱	۷	۰.۰۰۰
مرحله ۵ step Block Model	۵.۸۵۱	۱	۰.۰۱۶
	۲۰۸.۲۲۲	۸	۰.۰۰۰
	۲۰۸.۲۲۲	۸	۰.۰۰۰
مرحله ۶ step Block Model	۶.۳۴۲	۱	۰.۰۱۲
	۲۱۴.۵۶۴	۹	۰.۰۰۰
	۲۱۴.۵۶۴	۹	۰.۰۰۰

اطلاعات جدول ۱۲ برای آزمون برازش مدل می‌باشد. نتایج این جدول نشان می‌دهد که $2 \log$ likelihood در شش مرحله ظاهر شده است. اولی مربوط به گام نخست می‌باشد که در آن تنها یک متغیر وارد مدل شده است، یعنی جرایم اجتماعی دومین مقدار را نشان می‌دهد که با ورود متغیر جنس ۱ (مرد) $2 \log$ Likelihood اول نسبت به دومین مقدار آن یک بهبودی را نشان می‌دهد، به طوریکه مقدار آن از ۴۲۰.۵۵۴ به ۳۵۶.۴۷۴ کاهش یافته است. تفاضل این دو برابر با مقداری است که برای کای اسکوتر بهبود یافته است. در گام بعدی مقدار $2 \log$ Likelihood به ۳۵۴.۳۴۴ کاهش یافته است که این کاهش برای گامهای بعدی به ترتیب عبارت است از با ورود تحصیلات به ۳۲۶.۸۷۹، با ورود عملکرد قانون به ۳۲۱.۰۲۹ و با ورود هنجارهای اجتماعی به ۳۱۴.۶۸۷ کاهش یافته است.

جدول شماره (۱۲) خلاصه مدل

مراحل	-2log likelihood	Cox & snell R square	Nagelkerke R square
۱	۴۲۰.۵۵۴	۰.۲۲۸	۰.۳۲۴
۲	۳۶۵.۴۷۴	۰.۳۳۶	۰.۴۵۸
۳	۳۵۴.۳۴۴	۰.۳۵۴	۰.۴۸۳
۴	۳۲۶.۸۷۹	۰.۳۹۷	۰.۵۴۱
۵	۳۲۱.۰۲۹	۰.۴۰۶	۰.۵۵۳
۶	۳۱۴.۶۸۷	۰.۴۱۵	۰.۵۶۶

جدول شماره ۱۳ جدول طبقه بندی ابعاد دو وجهی متغیر وابسته را نشان می دهد. درصدهای این جدول حساسیت مدل در تعیین افراد مربوط به یک حالت را نشان می دهد. درصد کل در این جدول نشان می دهد که این مدل تا چند درصد کل افراد را به درستی از همدیگر تفکیک می کند. بر اساس نتایج این جدول حساسیت مدل در تعیین افراد دارای امنیت زمانیکه تنها متغیر جرایم اجتماعی وارد مدل شده است ۸۴٪ و درصد حساسیت آن در تعیین افراد فاقد امنیت تنها ۶۰٪ بوده است که درصد کل آن ۷۵٪ می باشد. اما در گام ششم با ورود پنج متغیر دیگر این حساسیت در تعیین افراد دارای امنیت و افراد فاقد امنیت به ترتیب به ۸۸٪ و ۷۳٪ افزایش پیدا می کند که درصد کل آن نیز به ۸۲.۵٪ افزایش پیدا کرده است و این یعنی شش متغیر جرایم اجتماعی، جنس، حجم خانواده، تحصیلات، عملکرد قانون و هنجارهای اجتماعی توانسته اند تا ۸۲.۵٪ پاسخگویان را به درستی بین دو وجه متغیر وابسته از هم تفکیک کنند. بنابراین متغیرهای حوزه اجتماعی همچون هنجارهای اجتماعی در نظریه مالر به عنوان قابلیت حفظ الگو، و همچنین جرایم اجتماعی در نظریه میتار به عنوان انحراف در این مطالعه نیز تأثیر تعیین کننده ای بر امنیت اجتماعی داشته اند.

جدول شماره (۱۳) جدول طبقه بندی

پیش بینی شده		امنیت اجتماعی		مرحله ۱ امنیت اجتماعی امنیت عدم امنیت درصد کل
درصد صحیح برآورد شده	امنیت	عدم امنیت	امنیت	
۸۴.۰	۴۰	۶۰	۲۱.۰	مرحله ۲ امنیت اجتماعی امنیت عدم امنیت درصد کل
۶۰.۰	۹۰	۵۰	۲۱.۰	مرحله ۳ امنیت اجتماعی امنیت عدم امنیت درصد کل
۷۵.۰	۱۰۰	۴۰	۲۲.۰	مرحله ۴ امنیت اجتماعی امنیت عدم امنیت درصد کل
۸۴.۰	۳۰	۳۰	۲۲.۰	مرحله ۵ امنیت اجتماعی امنیت عدم امنیت درصد کل
۶۶.۷	۱۲۰	۳۰	۲۲.۰	مرحله ۶ امنیت اجتماعی امنیت عدم امنیت درصد کل
۷۷.۵	۱۱۰	۴۰	۲۲.۰	مرحله ۶ امنیت اجتماعی امنیت عدم امنیت درصد کل
۸۴.۰	۳۰	۴۰	۲۲.۰	مرحله ۶ امنیت اجتماعی امنیت عدم امنیت درصد کل
۷۳.۳	۱۱۰	۴۰	۲۲.۰	مرحله ۶ امنیت اجتماعی امنیت عدم امنیت درصد کل
۸۲.۵	۱۱۰	۴۰	۲۲.۰	مرحله ۶ امنیت اجتماعی امنیت عدم امنیت درصد کل

در پایین معادله رگرسیونی لوجستیک که به آن برتری لگاریتمی گفته می شود بر اساس اطلاعات جدول شماره ۷ به شیوه زیر است:

$$(-1.01) + (-3.22) + 100 + (-1.194) + (-3.602) + (-2.153) + 584 + 17.320 + (-2.348) + \text{Constant } 5.392 = \text{برتری لگاریتمی}$$

نتیجه گیری

مقاله حاضر تاثیر عناصر اجتماعی را بر امنیت اجتماعی در شهر سنندج مورد بررسی قرار داده است. امنیت اجتماعی به قلمروهایی از حریم افراد مربوط می شود که در ارتباط با دیگر افراد جامعه، سازمانها و دولت می باشد. اکثر افراد جامعه به طور مستمر و در طول زندگی روزمره با این قلمروها روبرو می شوند و زندگی آنها مستلزم ارتباط در این قلمروهاست. به عبارت بهتر امنیت اجتماعی در این مطالعه به معنای امنیت و آرامش افراد در یک حیات مستمر جاری است. و آن موارد موقتی و استثنایی که در یک زمان معین باعث سلب و تهدید امنیت و آرامش شهروندان می شود، مد نظر نمی باشد.

ما به طور فزاینده ای از دیگران می ترسیم و این ترس یکی از پیامدهای مستقیم روند ساخته شدن مسائل اجتماعی است. روندی که در آن راهبرد موثر عبارت است از ساختن تعداد عظیم قربانیان و شرایطی

که هر کسی در هر زمانی می‌تواند «به یکسان» آن را تجربه کند. اگر شما در معرض ادعاهای زیادی درباره مسائل اجتماعی قرار گیرید احتمالاً ترس زیادی پیدا خواهید کرد. این ادعاها ممکن است شما را تشویق به کناره‌گیری از زندگی عمومی کند، و اینکه به خانه پناه برید و در خانه را به روی خود ببندید. حتی ما به آنجا نیز نمی‌توانیم پناه ببریم اگر ادعاهایی را بشنویم که از خانواده به عنوان مکان تباهی انسان یاد می‌کنند. ادعاهای مبنی بر قربانی شدنهای اتفاقی و شایع می‌تواند ما را به دیگران بی-اعتماد سازد و در نتیجه ما را به انجام کنش‌های خاصی وادارد (لوزیک، ۱۳۸۳: ۲۷۱).

بر همین اساس در این مطالعه ما به بررسی مساله امنیت اجتماعی پرداخته‌ایم، مساله‌ای که همچنان دغدغه اصلی مردم و سیاست‌گذاران چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح جهانی است. لذا ما به شناسایی متغیرهای اصلی تاثیرگذار بر فرایند امنیت اجتماعی اشاره کرده و نحوه تطبیق پاسخ‌ها را با مطالعات پیشین در ادامه می‌آوریم تا مشخص شود که این مطالعه تا چه اندازه با مطالعات قبلی همسوئی دارد. ناشی از همین مطالعه می‌توان برنامه‌هایی را برای افزایش احساس امنیت اجتماعی طراحی کرد. چرا که اساساً بر اساس رویکرد جدید برساختگرایی ۱۷ مسائل اجتماعی ذهنی‌اند و ساخته می‌شوند.

با یک بررسی بر روی مشابهت‌هایی که میان ادعاها در انواع بسیار زیاد مسائل اجتماعی وجود دارد، می‌توان استدلال کرد که حداقل تا حدودی ترس ما و بی‌اعتمادی ما نسبت به دیگران ناشی از روند اجتماعی ساخته شدن مسائل اجتماعی است. و البته می‌توانیم بگوییم که ادعاهای مسائل اجتماعی هم منعکس‌کننده و هم تدوام‌بخش ترس هستند. ما آماده‌باور کردن ادعاهایی هستیم مبنی بر اینکه مقصران همه جا پخشند زیرا ما در فرهنگ بی‌اعتمادی زندگی می‌کنیم و چون ادعاهای مسائل اجتماعی به ما نمونه‌های جدید و با دوامی عرضه می‌کنند، بنابراین بی‌اعتمادی ما به دیگران پابرجا می‌ماند. در واقع ادعاهای مسائل اجتماعی ما را بی‌اعتمادتر می‌سازد (لوزیک، ۱۳۸۳: ۲-۲۷۱). و بر این اساس لزوم برنامه‌هایی برای شناسایی عوامل مخل امنیت و موقعیت‌های ترس‌آور و مخاطره‌انگیز احساس می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|---|---------------------------------|
| 1. Moller | 10. Technology |
| 2. Ole Waever | 11. organization |
| 3. Identity, migration, and the new security agenda in Europe | 12. level of quality of life |
| 4. Miran Mitar | 13. Deviance |
| 5. Bailey | 14. Societal security |
| 6. Equilibrium | 15. Tiefen - Interview |
| 7. population | 16. adequacy |
| 8. Information | 17. constructionist perspective |
| 9. space | |

منابع

۱. ابوزید، نصر حامد (۱۳۸۳). **نقد گفتمان دینی**. ترجمه‌ی حسن یوسفی اشکوری و محمد جواهر کلام، تهران: یادآوران.
۲. اشرف، احمد (۱۳۵۴). «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران». **نامه علوم اجتماعی**، دوره اول، شماره ۴، تیر.
۳. آگ برن، نیم کف (۱۳۵۷). **زمینه جامعه‌شناسی**. ترجمه امیر حسین آریان‌پور. تهران: فرانکلین.
۴. باومن، زیگمونت (۱۳۸۴). **عشق سیال: در باب ناپایداری پیوندهای انسانی**. ترجمه عرفان ثابتی. تهران: ققنوس.
۵. بوزان، باری (۱۳۷۸). **مردم، دولت‌ها و هراس**. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
۶. بوزان، باری؛ ویور، الی؛ دو ویلد، پاپ (۱۳۸۶). **چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت**. ترجمه علیرضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۷. روی، پل (۱۳۸۲). «معمای امنیت اجتماعی». ترجمه منیژه نویدتیا. **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال ششم، شماره ۲۱.
۸. سبحانی و همکاران (۱۳۸۸). **شناسایی عوامل موثر بر امنیت اجتماعی در شهر سنندج**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، طرح پژوهشی.
۹. صمدی، جمیل (۱۳۸۴). **بررسی امنیت اجتماعی در شهر سنندج**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۱۰. علیعی، نصرت‌اله (۱۳۷۳). **امنیت اجتماعی منبع آن**. **مجله جامعه سالم**، شماره ۱۹.
۱۱. لوزیک، دانیلین (۱۳۸۳). **نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی**. ترجمه سعید سعید معیدفر، تهران: امیرکبیر.
۱۲. محمدی، مجید (۱۳۷۳). **رسانه‌ها و مقتضیات امنیت اجتماعی**. **مجله جامعه سالم**، شماره ۱۷.
۱۳. نصری، قدیر (۱۳۷۸). «معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت». **از جزوه مفهوم شناسی امنیت (شرحی بر تهدیدات)**. مؤسسه مطالعات راهبردی.
۱۴. نویدتیا، منیژه (۱۳۸۲). «درآمدی بر امنیت اجتماعی». **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال ششم، شماره ۱۹.
۱۵. ویور، آل (۱۳۸۰). «امنیتی کردن و غیر امنیتی کردن». ترجمه مرادعلی صدوقی. **فصلنامه فرهنگ اندیشه**، سال اول، شماره ۳ و ۴.
16. Grondona, M. (2000). A Cultural Typology of Economic Development. In. L. E. Hrrison and S. P. Hantington (Eds.). Culture Matters: Have Vlaue Shape Human Progress. Basic Books.
17. Mitar, miran (1996) Assessment of societal security in recent past and today, college of police and security studies Slovenia / www.ncjrs.org/internet.
18. Roe, Paul (2005) Securitized & minority rights: conditions of desecuritization, central European University, Budapest, Hungary/www.sdi.sagepub.com/internet.
19. Watson, Scott (2005) Agents in search of a Actor: societal Security for the Palestinians and Turkish Kurds, New York: Columbia University Press.
20. ----- (2005) societal security. Applying the concept to the process of Kurdish identity construction, New York, Columbia University Press.